اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین الطاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

**یک مطلبی را ظاهرا گفتیم دیشب با خودم فکر کردم امروز هم همینطور که این را تصحیح بکنم چون چند بار تا حالا گفتم چون ما یک خط غلو داشتیم یک خط اعتدال اینها مثلا محمد بن سنان بود ، این طرف هم حسین بن سعید بود همین طور ابن ابی عمیر آن طرف مثلا فرض کنید یونس بن ضبیان بود مفضل بن عمر بود این طرف زراره بود و الی آخره عرض کردیم این دو خط اضافه‌ی بر آن افکار حالا غالی بودند نبودند یا قضایای اجتماعی‌شان غلو سیاسی داشتند نداشتند قائل به حرکت مسلحانه بودند یا قائل به حرکت مسلحانه نبودند اما در راه تشکیل نظام بودند که حکومت را به اهل بیت بدهند ، مخصوصا اوائل سقوط بنی امیه و اوائل آمدن بنی عباس اینها فکر می‌کردند می‌توانیم اینها الان شل هستند بنی عباس بتوانیم تشکیلات را به اینها بدهیم .**

**تصادفا مثل معلی بن خنیس که به اصطلاح جزو خط غلو این تقریبا در سال اول بنی عباس کشته شد خیلی زود کشته شد ، با اینکه به حسب ظاهر بزاز بود و کوفه بود و رها کرد و آمد در مدینه سال اول یکی دو ماه قبل ، بعد و جزو خوب فعالان این خط است به نظر من بنی عباس هم احساس کردند زود قال قصه را کندند .**

**البته معلی بن خنیس دارای آثار علمی هم هست لکن خیلی آثارش ابهام دارد یک وقتی در آن جلسات شب پنجشنبه چند جلسه راجع به آثار معلی بن خنیس صحبت کردیم حالا هم ان شاء الله اگر آمد**

**یکی از حضار : روایتش مضمونش خیلی خوب بود**

**آیت الله مددی : بله حالا می‌گویم می‌آید حالا بعد متعرض می‌شویم یک مقداری بله متعرض در بحث همان خود فهرست که می‌گوییم ان شاء الله متعرض می‌شویم غرض اینکه اینها خیال می‌کردند چون ابوالعباس سفاح یعنی خون ریز خون خوار به مخالفین بنی عباس کاری نداشت عمده‌ی همتش روی بنی امیه بود حتی رفت در شام قبر بعضی از این خلفایشان را شکافت جسدشان را سوزاند بعضی از کارهای ، مخصوصا آن قصه را هم نقل کردند ابن ابی الحدید هم نقل می‌کند مفصل یک روزی این ها را امان داد بزرگان بنی امیه را امان داد و آمدند نشستند با اینکه امان داد به آنها در این اثناء یک شاعری به نظرم شاید ساختگی بوده به هر حال وارد می‌شود و می‌گوید تو چرا به اینها امان دادی اینها کسانی هستند که اسم سید الشهداء را هم می‌برند اینها کسانی هستند که سید الشهداء را شهید کردند اینها کسانی هستند که زید را شهید کردند اینها چنین کردند اینها چنان کردند شروع می‌کند قصیده‌ی قشنگی هم هست شاعر قوی است ابن ابی الحدید دارد بعد که یعنی تحریک می‌کند ابوالعباس را .**

**ابوالعباس می‌گوید خوب با اینکه امان داده بود همان جا دستور می‌دهد همه را سر می‌برند همه‌ی آن بنی امیه را سر می‌برند و جسدشان را در اتاق می‌گذارند بعد دستور می‌دهد سفره بیاورند ، سفره‌ی غذا روی این جسدها که هنوز دست و پا می‌زدند پهن کرد مشغول خوردن شد می‌گویم یک صحنه‌هایی که آدم واقعا ، اول انقلاب هم اینجا بود که با قبر رضا خان و اینها ور رفتند که بعدش هم پیدا نکردند جسدش را بعد هم معلوم شد یک جای دیگر دفن کردند عمدا که بعدها برش ندارند .**

**علی ای حال آقا اصلا آدم یک جورش می‌شود یعنی که دست و پا می‌زدند و اینها مشغول غذا خوردن بودند روی همان جسدها مشغول غذا ، ابن ابی الحدید مفصل دارد یادم نیست حالا از کدام مصدر نقل می‌کند . علی ای حال چهار سال که ابوالعباس بود خیلی به این دور و بری‌های خودش به اصطلاح می‌گویند انقلاب بچه‌های خودش را می‌خورد به این بچه‌های انقلاب خیلی کار نداشت .**

**ابو جعفر منصور به عکس این افتاد به این طرف ابو مسلم را کشت امام صادق را شهید کرد حتی بنا بر معروف ابو حنیفه را ابراهیم را قتیل باخمراء را محمد را غرض اینکه و انصافا هم قیام‌های همان ابوالخطاب هم زمان منصور بود دیگر خیلی کشت انصافا از این‌هایی که تا دیروز با او بودند یعنی تا دیروز با خود او بودند و در ظل انقلاب بودند برای اینکه اینها سر کار بیایند ، خیلی تصفیه کرد .**

**یک اصطلاحی دارند بعضی از مؤرخین که اگر منصور نبود بنی عباس این قدر حکم نمی‌کردند حکومتشان چون 534 سال طول کشید از سال 132 سر کار آمدند ، بنی عباس بغداد البته تا 656 ، 534 سال بنی عباس بغداد طول کشید من همیشه گفتم که فعلا صفویه‌ی ایران 539 سال شدند حکومت صفویه در ایران برای اولین بار حکومت شیعی که شیعی باشد نه مثل زیدی‌ها و مثل آل بویه و اینها حکومت شیعی که تمام امور را فقط باید از اهل بیت گرفت تولی و تبری و فلان و معتقد به این باشیم که از غیر اهل بیت گرفته نشود و این مثلا بغض دشمنان این جور حکومت برای صفویه است قبل از این ما نداشتیم .**

**این حکومت تا الان این رفیق ما آقای لاریجانی نزد ما بود گفتیم اگر از دست شما جان سالم ببرد تا الان این قدر عمر کرده است ، پانصد و آن وقت نشده بود شاید چهار پنج سال قبل این قصه است شوخی کردیم و الان شد 539 سال حکومت این صفویه از نسبت به حکومت بنی عباس بغداد فعلا جلو زدیم چون بنی عباس بعد از آن باز رفتند مصر از آن جلو نزدیم اما حکومت ، از چیز هم جلو نزدیم از عثمانی‌ها، عثمانی‌ها 610 سال بودند ما فعلا از بنی عباس بغداد جلو زدیم بنی امیه که خیلی وقت است جلو زدیم از بنی امیه و اینها از حکومت‌هایی که داشتند از همه‌شان فعلا شیعه‌ی اینطوری خالص این جور شیعه فعلا بر همه‌ی اینها جلو زدیم الا حکومت عثمانی اینهایی که در ترکیه بودند .**

**علی ای حال خیلی حالا تفاصیلش را نگوییم آن وقت ما یک تحلیل تاریخی داریم که این دو تا خط اعتدال و خط غلو حالا سیاسی و غیر سیاسی اینها همراه هم بودند تا سال 300 در سال 300 که احتمال دادیم به خاطر اینکه چون حکومت فاطمی در مصر تشکیل شد انقلابی‌ها به اصطلاح آنهایی که دنبال خط غلو بودند رفتند جذب آنجا شدند دیگر تشکیل شد یا مثلا مرحوم کلینی آثار خوب غلو را در کافی آورد آن آثار بدش هم خود به خود از بین رفت تا حالا تحلیل من این تحلیل را چند بار عرض کردم .**

**اینکه این کتاب را که الان نگاه کردیم و بعدش هم خودم فکر کردم غیر از این معلوم شد که یک تجدید نظری در این عبارت باید بشود یعنی به عبارت دیگر این دو تا خط تا سال 300 کاملا مقابل هم نمود دارند ، از بعد از 300 آن خط غلوی که رفت در مصر و رفت در سوریه و باطنی‌ها و نصیری ها و اسماعیلی‌ها و نه زیدی‌ها ، زیدی‌ها در این ، زید‌ی‌ها در خط غلو به این معنا نبودند چرا غلو یعنی قائل به حکومت و نبرد و جنگ مسلحانه بودند اما در این سنخ کار نبودند ظاهرش این است که بعد از 300 آنها از ما زیاد گرفتند ما از آنها نگرفتیم این حرفم را تصحیح می‌خواهم بکنم ، این را برای دیشب که حرف‌های ایشان را نگاه می‌کردم و بعد خودم فکر کردم .**

**مثلا فرض کنید قاضی نعمان که 361 است این خوب از ما زیاد گرفته است اما علمای از قاضی نعمان نگرفتند ، تحف العقول از ما زیاد گرفته اما علمای ما از تحف العقول غرض آن نکته‌ای را که گفته بودم تصحیحش کردم بعد از اینکه یک مقدار حرف‌ها را نگاه کردیم و یک مقدار هم خودم فکر کردم و دیدم این خیلی تاثیر گذار است یعنی مطلب که ریشه‌ی خیلی حرف‌های آنها به این برمی‌گردد به ما برمی‌گردد یعنی آن‌ها به ما آمدند روی آوردند به ما حالا شاید به خاطر حکومت آل بویه هم بوده تشکیلات آل بویه بوده بعد از سال 300 آنها از ما خوب گرفتند خط‌های غلو امثال نصیری‌ها و اسماعیلی‌ها و اینها غالیان به طور کلی آنها از مصادر ما خوب گرفتند اما ما به آنها اعتنایی نکردیم این خیلی مهم است ، یعنی ما دیگر از آنها چیزی نداشتیم بگیریم .**

**هم توجه نکردیم ، خود کتاب دعائم مثلا بعد از هشت قرن به ایران آمد بین شیعه کتاب تحف العقول شش قرن بعد آمد و برای اولین بار در اینجا ایشان طب الصادقین اسم برده همان طب الائمة الصادقین که رفیق ما تحقیق کرده البته وقتی که من آن کتاب را خواندم خیلی برایم تعجب آور بود خیلی چون مثل همین طب الائمه‌ی همین ابنی بسطام بود اما اسانید خوب مرتب**

**یکی از حضار : همین که اخیرا چاپ شده بود**

**آیت الله مددی : بله همین که اخیرا چاپ شده ، ایشان هم تعجب است در اینجا از چاپ‌هایش خبر نمی‌دهد از نسخه‌ی خطی کتابخانه‌ی آقای مرعشی به آن ارجاع می‌دهد نسخه‌ی خطی کتابخانه‌ی آقای مرعشی .**

**نمی‌دانم آیا واقعا در آثار نصیریه ، ایشان می‌گوید این برای تحف العقول است این مطلب حالا البته یک کمی از مطلب خارج شدیم دیشب نگاه می‌کردم می‌گفتم سبحان الله من همیشه این اگر یادتان باشد زیاد گفتم که صاحب تحف العقول در حدیث شناسی از کافی کمتر است اما از صدوق بالاتر است همیشه این را می‌گفتم اما از تحف العقول یعنی با ظواهر روایت می‌فهمیدیم یعنی نه اینکه اگر این کتاب برای او باشد تایید نظریه‌ی من شد مثل ها این طب الائمة الصادقین .**

**این البته ما گاه گاهی مثلا قسمت‌هایی از این طب الصادقین را آن شبی که آقای کرباسی بود گفت در مکارم الاخلاق هم آمده ما خیلی کم از ایشان گرفتیم داریم در مکارم الاخلاق در فقه الرضا هم یک قدرش آمده اما عرض کردم نشان می‌دهد که ما**

**بعد هم من نمی‌دانم چه بود ایام مرض چه بود یادم رفته چه بود ایام همین زونا بود اولش بود همین جا که دراز کشیده بودیم این کتاب را با یک دقت خیلی دقیق نگاه کردم یعنی از اول همین جور ورق می‌گذاشتم تا هر جا رسیدم علامت می‌گذاشتم تا این جا رسیدم ورقه ورقه حدیث حدیث این را من شاید تا نصفش شاید تا کمتر بیشتر این را من با دقت نگاه کردم که بشناسم چون واقعا اسانیدی که مثل احمد بن محمد بن عیسی و عبدالله بن جعفر حمیری و محمد بن همام و ابو علی بغدادی خیلی اسانید خوب است از آن طرف هم یک مقداری درش مطالبی بود که به خرابی این کتاب طب الائمه نبود اما به هر حال مطالبی بود که قبول کردنش مشکل است .**

**من یک دفعه‌ی دیگر هم عرض کردم در روایت طبیه حالا بعد توضیحش هم شاید بدهم در روایت طبیه ما اصطلاحا روایتی که مصطلح طبی باشد نداریم چون در مصطلحات طبیه در ادویه‌ی ترکبیه به اصطلاح خودشان مرکبه مقدار مثلا می‌دهند گل گاو زبان دو گرم ، نمی‌دانم سنبل الطیب سه گرم آن این طوری می‌گویند روایات ما دارد که مثلا گل گاو زبان خوب است مش مش خوب است ، گلابی خوب است این طوری این که از این دو گرم از آن سه گرم در طب الائمه این را داریم ما از آن بدتر در این کتاب داریم این خیلی عجیب است این برای من فوق العاده تعجب آور بود .**

**یکی از حضار : این نسخه‌اش برای مرعشی است یک مجموعه بوده دوازده تا رساله است نوشته مجموعه‌ی مختلف تعداد برگ‌ها 32 برگ شماره‌اش 12874**

**آیت الله مددی : این بیشتر از 32 برگ بوده**

**یکی از حضار : 232 برگ**

**آیت الله مددی : دویستش را نشنیدم سی و دو را شنیدم چون این کتاب قطوری است .**

**یکی از حضار : در توضیحات نوشته 12 رساله بعد داخل آن عطف کتاب یک برگه چسباندند نوشته مجموعه‌ای که 1: رساله در طهارت به عربی کتابت در طبس سال 836 قمری 2: مجموعه‌ی عربی شامل خطبة البیان کتابت در همان سده 3: فقه فارسی کتابت سده‌ی 9 . 4: صورت نسب کاتب نسخه تا حضرت موسی بن جعفر . 5: فقه فارسی مختصر . 6: دیوان اشعار عربی . 7: فقه عربی . 8: کتاب در طب به عربی مورخ سنه‌ی 9 قمری .**

**آیت الله مددی : همان 800 دیگر همه 800 است .**

**یکی از حضار : نتوانستند این فهرست نگار نتوانست تشخیص بدهد**

**آیت الله مددی : ما هم که نتوانستیم ما هم هر چه کار کردیم این آقا متاسفانه دارد که برای تحف العقول است اما دلیل روشنی را ارائه نمی‌دهد .**

**یکی از حضار : در چاپ به اسم چه کسی چاپ شده است ؟**

**یکی از حضار : در چاپ دو بار چاپ شده یک بار چاپ شده به اسم چیز**

**آیت الله مددی : ایشان دارد که روی کتاب طب الصادقین نوشته یک بار هم طب الائمه بوده من جمع کردم ، کردم طب الائمة الصادقین ایشان به اسم طب الصادقین فقط آورده این کتاب به اسم طب الصادقین آورده است .**

**یکی از حضار : بله آقای دلیلی هم چاپ کرده عتبه چاپ کرده قبل از ایشان هم یک نفر دیگر چاپ کرده هر دو به نام مولف شیخ ابو محمد هارون بن موسی تلعکبری متوفی 385 این چاپی هم که**

**آیت الله مددی : علی ای حال به این هم می‌خورد آن وقت اینجا نقل می‌کند که این جناب آقای تلعکبری از خصیبی هم حتی اجازه داشته از خصیبی و از همین بزرگان . علی ای حال اجمالا برای ما این مطلب اول که عرض کردم یک مطلبی برای ما ر وشن شد که سال 300 به بعد آنها از ما گرفتند ما از آنها خیلی کم گرفتیم متاثر به آنها نبودیم آن چیزهایی که الان داریم پیدا می‌کنیم اینها همه برای همین یکی دو قرن اخیر است این آثار نصیری‌ها و علوی‌ها و خود آثار صاحب دعائم اینها همه برای یکی دو قرن اخیر است ما در این مدت از 300 به این طرف آنها از ما گرفتند ما از آنها خیلی کم فرض کنید مکارم الاخلاق از این طب الصادقین گرفته من باب المثال فقه الرضا هم از طب الصادقین گرفته اما خیلی از ، من اینقدر شاید باورتان نشود اینقدر وقتی این کتاب را خواندم و اسانید را البته مشوش دارد مشوه دارد که معلوم نیست این عطف به کجاست دارد از این جور چیزها دارد نه اینکه ندارد اما اسانید خیلی صاف تمیز دارد یاد آدم به کافی می‌افتد از کافی قطعا پایین تر است و اسانیدش یعنی احمد اشعری ، عبدالله بن جعفر حمیری ، ابو علی بغدادی ، محمد بن یعنی بزرگان و این قسمت‌هایش جای خودش و باز هم از همان طب اصطلاحی یک دفعه‌ی دیگر هم ظاهرا همین جا عرض کردم این دفعه اضافه‌ی بر اینکه چیز دارد اضافه‌ی بر اینکه مثل آن کتاب نوشته بود دو درهم اصطلاح اختصاری‌اش را هم به کار برده است .**

**چون در طب قدیم الان در این کتبی که در اعشاب و اینها می‌نویسند در اینها هم بعضی‌هایشان دارند مثلا می‌نویسند فلان گیاه فلان فلان جلویش یک کروشه می‌گذارد یک چیزی می‌گذارد مثلا می‌نویسد از هر کدام سه گرم اینطوری ، آن وقت این در کتب طب قدیم رمزش این بود مکد سه درهم مکد میم یعنی من کاف یعنی کل دال واحد ، من کل واحد سه درهم این در این طب الصادقین دارد این خیلی برای ما تعجب آور بود این مکد را این دارد با اینکه این اصطلاح طبی است اصطلاح رسمی اطباء است این از کجا برداشته آورده اما انصافا وقتی که کتاب را خواندم گفتم خدایا شکرت من یک شکری می‌کنم که من زنده ماندم این کتاب را دیدم بالاخره اینقدر خوشم آمد چون واقعا این میراث طبی به این صافی تا حالا من ندیده بودم خیلی صاف و**

**یکی از حضار : نسخه‌اش مصحح هم هست و مقارنه هم شده هم علامات تصحیح در هامش دارد هم علامات نسخه بدل ، نسخه‌اش را گرفته ،**

**آیت الله مددی : در نمی‌دانم من الان**

**یکی از حضار : کاتب عرض کردم کاتبش را اطلاع ، کاتب را نوشته همان 836 بوده ظاهرا همان کل مجموعه یک خط باشد چون این اول و آخرش یک خط است .**

**آیت الله مددی : اما خطش به 800 نمی‌خورد آن عکسی که الان در ذهنم است عکسش اگر عکس خطش هست را بیاور**

**یکی از حضار : عکس خطش هست می‌خواهید یک ملاحظه‌ای بکنید**

**آیت الله مددی : در کتاب آقای دلیلی که چاپ شده بود به نظرم به سال‌های 1000 ، 1100 اینها می‌خورد خطش برای 800 نبود .**

**یکی از حضار : اول این فایلی که من الان دارم آن قسمت مربوط به**

**آیت الله مددی : منتهی عرض کردم در ذهنم الان اینطور است همان جا خدمت آقایان ببینید .**

**یکی از حضار : من در کتاب آقای دلیلی دیدم**

**آیت الله مددی : بله ؟**

**یکی از حضار : هشت و نه دیگر .**

**آیت الله مددی : یعنی قرن هشتصد به نظرم نمی‌خورد .**

**یکی از حضار : ناسخ ظاهرا نبوده اسم ناسخ یا شناخته شده نبوده**

**آیت الله مددی : نحوه‌ی خط به 800 نمی‌خورد نگاه کنید شما .**

**یکی از حضار : ما تخصص خط نداریم**

**آیت الله مددی : من به نظرم نمی‌خورد یادم می‌آید نگاه کردم این خط برای سال 800 نمی‌خورد علی ای حال غرض این کتاب**

**یکی از حضار : همان نسخه است**

**یکی از حضار : از مرعشی گرفته ؟**

**یکی از حضار : بله همان**

**آیت الله مددی : یک نسخه است فعلا نداریم نسخه‌ی دیگری این باید بگردند در کتابخانه‌ی مثلا ترکیه آنجا جایی پیدا کنند و ایشان**

**یکی از حضار : نوشته رساله در طب عربی خودش نفهمیده بودند چیست**

**یکی از حضار : حالا آن الشرقاوی مصری یک وقت نامه بفرست بگو این در کتابخانه‌ها جایی پیدا کردید یا نه ؟**

**آیت الله مددی : شرقاوی ؟ عرض کنم که ایشان چون نوشته من مجموعه‌ی آثار نصیری را دیدم مجموعه‌ی آثار شعبه و ابن شعبه را هم دیدم احتمالا در مجموعه‌ی ، ایشان که نقل نکرده خودش نوشته کتابخانه‌ی مرعشی آدرس داده ، احتمالا از آثار ابن شعبه که در سوریه چاپ شده دیده نفهمیدم ایشان از کجا نقل می‌کند .**

**علی ای حال کتاب عجیبی است انصافا بینی و بین الله کتاب عجیبی است احتمال هم هست ، اما هارون بن موسی تلعکبری**

**یکی از حضار : اگر تلعکبری باشد که خیلی قدیمی هم می‌شود دیگر**

**آیت الله مددی : بله کتاب هارون موسی بعید است باشد هارون شاید راوی نسخه است کتابش نیست نه ، می‌خورد به همان ابن شعبه آن وقت هارون موسی چون در بغداد بوده این مشکل نصیری‌ها خود حتی همان خصیبی می‌گویند آمده رفته خراسان رفته کجا رفته مشکل ایشان توجه نکرده مشکل بزرگ این خط غلو یک مطالبی را می‌گویند جای دیگری اینها را اثبات نمی‌شود کرد نفی هم نمی‌شود کرد مثل اینکه می‌گفت اینجا وسط کره‌ی زمین است نمی‌توانیم اثبات بکنیم نمی‌توانیم نفی بکنیم اینها مشکلشان این است اینکه خصیبی به کجا**

**به هر حال صاحب تحف العقول کاملا واضح است قم آمده اما حالا به عنوان خودش ، مجهول الهویة آمده ؟ به نظر من از مراجعه‌ی تحف العقول چون بعضی از میراث‌های خاص قم است ایشان دارد که بغدادی‌ها ندارند مثل نامه‌ی حضرت رضا به محمد بن سنان و اینها ایشان دارد که صدوق هم دارد حالا به هر حال من چون نمی‌خواهم وارد این بحث بشوم اینکه اگر این مطلب چون برای من تازگی داشت گفتم برای شما هم بگویم ، اگر این مطلب درست باشد کتاب برای ابن شعبه باشد من خیلی خوشحال شدم که چه حدس قوی زدم من چون این را ندیده بودم من فقط ابن شعبه را دیدم تحف العقول مرسل است به خود احادیث گفتم به نظرم می‌آید این از صدوق قوی تر است از کلینی ضعیف تر است این کتاب موید همین مطلب است . اگر این کتاب برای ایشان باشد طب الصادقین برای این ، بله آقا ؟**

**یکی از حضار : جمع است ؟ تثنیه نیست ؟ صادقَین ؟**

**آیت الله مددی : صادقَین شاید باشد ، صادقین نمی‌دانم ؟**

**یکی از حضار : طب الائمة الصادقین اگر باشد جمع می‌شود بله .**

**آیت الله مددی : الائمة باشد جمع است . نه طب ایشان می‌گوید من اسم من گذاشتم می‌گوید طب الائمة الصادقین را من گذاشتم ایشان خودش آقای دلیلی می‌گوید من گذاشتم به هر حال یکی دو سه تا نکته بود گفتیم قبل از اینکه وارد بحث بشویم خدا را شکر که واقعا این مطلب برای ما حل شد و این خیلی تاثیر دارد در این جهت که اگر بخواهیم به آثار این خط غلو الان بپردازیم احتیاج به آثار خودمان داریم یعنی باید برگردیم به نوشته‌های ما ، ما از آنها نگرفتیم از سال 300 جدا هم نشده نه اینکه آنها یک آثار ما یک آثار ، آنها بیشتر از ما گرفتند همان روایات ما حرف‌های ما و طرق ما و اسانید ما و این خیلی قابل به نظر من قابل ارزش است اگر بتوانیم اثباتش بکنیم این که من عرض کردم .**

**ظاهرا باید گفت از سال‌های 400 ، 420 که شیخ طوسی می‌آید دیگر کاملا جدایی است آنها یک طرف هستند ما یک طرف شیخ طوسی و اینها هیچ شبهه‌ی گرفتن از آنها ندارند بین 300 من خیال می‌کردم از 300 به بعد جدا شدیم نه این جدایی از 400 به بعد است از 300 یک طرفه هنوز هست گفت این خیابان یک طرفه است هنوز آنها از ما دارند اما ما از آنها خیلی کم داریم ، بله بعدها این مجامیع حدیثی ما که آمد فرض کنید مقداری از همین هدایة الکبری خصیبی در کتاب بحار آمده چیز قبول نکرده مرحوم صاحب وسائل اما بحار آورده و اگر واقعا اینطور که اینها می‌گویند ابن شعبه شاگرد خصیبی باشد می‌گویم چون اینها از بس پنهانند نمی‌توانیم دقیقا بدانیم اینها چه می‌گویند .**

**عرض کردم به شما یک وقتی ما آقای لاریجانی اینجا آمد گفتم که اگر شما حالا روابطتان خوب است به نظرم این شدت جنگ سوریه هم نبود بفرستید این کل آثار نصیری‌ها در سوریه کلیه‌ی اینها را مثلا تصویر برداری کنید و از هر کدام مثلا صد نسخه تهیه کنید بفرستید به کتابخانه‌های مهم آستان قدس ، اینجا آقای مرعشی بفرستید که آثار نصیری‌ها یک جا در اختیار باشد .**

**بعد از مدتی شوقی حداد یا آمد اینجا یا به من زنگ زد نمی‌دانم حالا یادم رفته کدام یکی بود با شوقی حداد صحبت کردم گفت من یک چنین پیشنهادی کردم گفت نمی‌دهند آنها نمی‌دهند بعد شوقی به من گفت ، گفت خود من با یکی از این مشایخ نصیری‌ها علوی‌ها بحثم شد که مثلا چاپ آثار آن به من گفت مگر ما معروف نیستیم به باطنی به ما مگر نمی‌گویند باطنی پس باید علوم ما باطن باشد مخفی باشد این را شوقی برای من نقل کرد حالا این مقداری که چاپ شده 6 جلد یا 7 جلد چاپ شده به اسم آثار علویین آیا این چیزهای پیش پا افتاده بوده چه بوده نمی‌دانم علی ای این آقای شوقی حداد از قول این آقای چیز نقل کرد یک آقای دیگری هم هست که چیزی راجع به کتاب‌های نصیری‌ها نوشته فهرستی داره به نظرم راجع به نصیری‌هاست آنجا نوشته الان مشایخ علوی‌ها و نصیری‌ها کل کتاب تحف العقول را حفظ دارند این هم نشنیدم از ایشان نقل دیدم که کل کتاب تحف العقول را حفظ دارند ایشان هم تحف العقول را جزو نصیری‌ها آورده و من توضیحات کافی**

**بعد ایشان از یک کتاب اسرار و حقائق الدین نوشته تازه از ابن شعبه چاپ شده این را من خبر نداشتم من کلا خبر نداشتم یک معرفی هم کرده من منتظر بودم که دو سه تا نمومنه نشان بده ببینم اینجا می‌گویند سند دارد حقائق اسرار الدین یا اسرار حقائق الدین ایشان نقل می‌کند من این بخشش را نگاه کردم چون اسم کتاب را اصلا نشنیده بودم تا حالا غیر از اینجا نشنیده بودم .**

**یکی از حضار : حقائق اسرار الدین**

**آیت الله مددی : حقائق**

**یکی از حضار : بخوانم از آن ؟**

**آیت الله مددی : ها بخوانید .**

**یکی از حضار : در مجموعه‌ی سلسلة تراث العلوی منتشر شده**

**آیت الله مددی : همین گفت آنجا منتشر شده است .**

**یکی از حضار : در سلسله‌ی دوم مجموعة**

**یکی از حضار : سلسله را چه کسی چاپ کرده عتبه‌ی علوی ؟**

**آیت الله مددی : نه خود**

**یکی از حضار : دو تا آدم مجهول الهویة ابو موسی و شیخ موسی .**

**یکی از حضار : صحیح .**

**آیت الله مددی : عرض کردم اسم نمی‌برم اینها خیلی زنده‌هایشان همه مجهولند چه رسد به مرده‌هایشان .**

**یکی از حضار : جلد 4 و 5 مجموعة الحرانیین است بعد یعنی در این سلسله**

**آیت الله مددی : من دنبال این هستم که اگر بشود بگیرم شما هم اگر راهی یک دفعه سوریه کسی پیدا شد یک دوره بگیرید من در خدمتتان هستم .**

**یکی از حضار : دو تا یکی تحف العقول را یکی تمحیص را در جلد 5 چاپ کرده**

**آیت الله مددی : تمحیص هم چاپ ، تمحیص را چون مرحوم حاجی نوری در مستدرک آورده نسبت داده به مرحوم**

**یکی از حضار : ابن شعبه**

**آیت الله مددی : هم به ابن شعبه و هم به این آقای تلعکبری است یا ابو علی محمد بن حماد ابو علی بغدادی داریم بحث تمحیص را**

**یکی از حضار : جلد 5 بود که عرض کردم جلد 4 که می‌شود قسمت اول از مجموعة الحرانیین مجموعه است بعد می‌گویند مولفات الخاصة اولش حقائق اسرار الدین دومش رسالة موضحة حقائق الاسرار لمن تیقض من الابرار سه مسائل الحسن بن شعبة چهار مسائل ابن هارون الی الشیخ الخصیبی پنج کتاب**

**آیت الله مددی : از این مسائل ابن شعبه هم این را هم خبر نداشتم که ابن شعبه مسائل دارد**

**یکی از حضار : مسائل ابن هارون الی الشیخ الخصیبی کتاب العصیفر شش کتاب حجة العارف فی اثبات الحق**

**آیت الله مددی : شبیه همین اسماء همان عوالی اللآلی است از همان مقوله‌های اسماء عجیب و غریب است .**

**یکی از حضار : هفتم رسالة اختلاف العالمین ، هشت الرسالة الحرانیة آن وقت اولش همین حقائق**

**آیت الله مددی : من در ذهنم بود وقتی پریروز نه دیشب ، دیشب می‌خواستم یعنی یادم رفت می‌خواستم بگویم در بیاور اگر هست من چون این را نگاه کردم که دو سه تا ندارد که با سند نقل کنیم ، یک دو سه تا سند ببینیم چون در ذهنم این ست که این از کافی کمتر است از صدوق بهتر است . حالا بیاورید اصلا اسم کتاب را نشنیده بودم حقائق اسرار الدین .**

**یکی از حضار : اینترنت تصویرش را گرفتم ، آن وقت در مقدمه یک نکته‌ای می‌گوید ، می‌گوید این جلد 4 است می‌گوید در 3 جلد اول ثلاث و عشرون رسالة علویة صدرت فی مجموعة رسائل الحکمة العلویة که 3 جلد اول این مجموعه می‌شود فی ثلاث مجلدات ضمن سلسلة تراث العلویة**

**آیت الله مددی : اما آن رسائل الحکمة العلویة برای دروزی‌ها نیست ؟**

**یکی از حضار : آن جدا چاپ شده**

**آیت الله مددی : نمی‌دانم 6 تاست یا 8 تاست آن را دیدم بله**

**یکی از حضار : که آوردم خدمتتان گرفتیم بله**

**آیت الله مددی : بله دیدم آن را**

**یکی از حضار : بیش از سه تا رساله در سه تا مجلد**

**آیت الله مددی : البته یک بحثی شد بین من و شوقی حداد که علوی‌ها اعمند از نصیری‌ها شوقی حداد گفت نه یکی هستند علوی و نصیری گفتم من فکر می‌کنم گفت آقا من خودم از آنها بودم نمی‌خواهد جلوی من بگویید من خودم از آنها بودم من می‌گویم این دو تا یکی هستند گفتم من خیال می‌کردم علوی‌ها اعم باشند از نصیری‌ها ، نصیری‌ها یک طایفه گفت آقا من خودم از آنها بودم خدا حفظش کند نمی‌دانم کجا هست زنده است مرده است ؟ خیلی وقت است ندیدمش .**

**یکی از حضار : بعد از این حوادث ندیدیمش .**

**آیت الله مددی : بله خبر نداریم از او فعلا**

**یکی از حضار : بعد خلاصه می‌گوید که**

**آیت الله مددی : خیلی خوب از خود متن کتاب یک کمی بخوان به قول آن آقا گفت من چکش دستش بگیرد می‌فهمم حالا یک دو تا حدیث بخوانی من می‌فهمم قصه چیست .**

**یکی از حضار : مجموعه‌ی حرانیة را دو قسمت کردیم الاول سمیناه المؤلفات الخاصة که الان عرض شد ای التی یطلع علیها خاصة العلویین لا سواهم**

**آیت الله مددی : ایشان هم دارد عام و خاص ایشان هم دارد .**

**یکی از حضار : المؤلفات العامة که عرض کردم تحف بود و تمحیص بعد هم می‌گوید ابناء الشعبة الحرانیون خمسة ابو محمد حسن بن شعبة**

**آیت الله مددی : این اشهرشان است**

**یکی از حضار : که من تلامیذ الشیخ الخصیبی**

**آیت الله مددی : این را نسبت دادند که شاگرد خصیبی اگر راست باشد ، اگر راست باشد چون ما می‌گوییم اینها را هیچ کدام نمی‌دانیم اصلا اینها را باید بله آقا ؟**

**یکی از حضار : سیصد و خورده است ؟ خصیبی ؟**

**آیت الله مددی : خصیبی سیصد و چهل و شش ، چهل و هشت گفتند تا سیصد و پنجاه و خورده‌ای این را سیصد و شصت و هشت گفتند اما این اشتباه است .**

**یکی از حضار : 334**

**آیت الله مددی : چه کسی ؟**

**یکی از حضار : چاپ هدایة الکبری که من دارم نوشته 334 خصیبی را**

**آیت الله مددی : نه تا 348 دارد 46 هم نوشتند ، اگر این شاگرد خصیبی باشد اگر استادش در حدیثش وارد نیست شاگردش خیلی خوب وارد است استادش فوق العاده مخلط است و فوق العاده کار را خراب می‌کند این شاگرد خیلی بهتر است اگر شاگردش باشد احتمالا کتاب‌ها را خصیبی آورده به این داده این دقیق است این در نقل خیلی دقیق است خیلی مرد ملایی است یعنی هر که هست ملاست و این کتاب را هم عرض کردیم چون آخرش وصیة مفضل باید حالا به این آقا هم می‌گفتیم چیزی که اینها هنوز نتوانستند دنبالش را بگیرند آن هم حالا می‌گویم وصیة المفضل لجماعة الشیعة آخر تحف العقول هست در آنجا همه‌اش توجه به نماز و روزه و عبادت و اخلاص و تقوا و اینها من فکر می‌کنم اگر اینها مثلا نصیری بودند یا مثلا جزو غلات بودند غلاتی بودند که نماز می‌خواندند عمدا این را آورده**

**یکی از حضار : جلد شش المجموعة المفضلیة است تراث مفضل است اولش الرسالة المفضلیة**

**آیت الله مددی : نه این معلوم است کاملا و اما چون اینها ملتفت نشدند ما به ذهنمان رسیده البته یک مقداری اثبات می‌خواهد به ذهنمان رسیده کسی که واسطه‌ی نقل میراث‌های ما به این نصیری‌ها شده پسر حسین بن سعید است احمد بن حسین با اینکه این شخصیت بسیار بزرگی است مثل پدرش اما بین اصحاب ما تقریبا مهمل مانده مجهول مانده به نظر من این به خاطر همین تمایلاتش به خط نصیری‌ها بوده حالا این عبارت را بخوانید برگردیم چون این ننوشته ایشان اگر شما دیدید به او بگویید که این از افادات فلانی که رابط میراث‌های ما احمد بن حسین بن سعید الملقب بدندان حالا دندان‌هایش دراز بوده دندان فیل مثلا چه بوده نمی‌دانم الملقب بدندان و یک مقدار روایاتش در کتب صدوق است بقیه نیامده است . آن وقت نوشتند روی عن جمیع شیوخ ابیه الا فلان مرد فاضلی بوده کاملا ملا بوده من به نظرم نکته‌اش این بوده که این رابط با نصیری‌ها بوده از او تحمل حدیث نکردند ، قمی‌ها از او تحمل حدیث نکردند .**

**امشب یکی دو کلمه راجع به حالا دیگر خارج شدیم از بحث یک دو کلمه راجع به احمد بن حسین صحبت می‌کنیم ان شاء الله یک حسین بن احمد داریم که آن هم از مشایخ صدوق است یک احمد بن حسین آن حسین پسر احمد بن ادریس است که آن هم توثیق نشده این احمد پسر حسین بن سعید است غرض این اسم‌ها را با هم دیگر جابجا نکنیم آن احمد بن الحسین به نظرم کارش با اینها بوده بخوانید ببینیم**

**یکی از حضار : این مقدمه‌ی این آقا حالا یک نکاتی دارد**

**آیت الله مددی : حالا همه‌اش را نمی‌خواند چند تا روایتش را بخوانید من بفهمم**

**یکی از حضار : رسیدم الان به روایت عرض کردم مقدمه را پریدم ، منتشر کرده به اسم حقائق اسرار الدین لابی محمد حسن بن شعبة بله مقدمة المؤلف را که بپریم**

**آیت الله مددی : خودش این مقدمه‌ی تحف العقول نشان می‌دهد مرد ملایی است خیلی دقیق است خیلی ملاست .**

**یکی از حضار : تحف العقول را حفظ می‌کردند و حفظ داشتند پس نسخه‌های قدیمی نزدشان باشد با اینکه هیچ گزارش نشده از آنها که نسخه‌ها**

**آیت الله مددی : چرا**

**یکی از حضار : همه‌شان بر اساس چاپ ایران است در این تراث العلوی اصلا تحف از چاپ ایران است .**

**یکی از حضار : خوب اگر این را واقعا اطلاع داشتند**

**آیت الله مددی : می‌گویم اینها نسخه‌ی قدیمی خیلی اهل علم و اینها نبودند اصلا خودشان می‌گویند خیلی ابهام در شخصیت‌شان و در میراث علمی‌شان هست .**

**یکی از حضار : اولین سندی که ایشان آورده می‌گوید فانه حدثنی الحسن بن محمد عن علی بن احمد بن علی عن ابیه عن ابراهیم بن داوود عن علی بن اسماعیل بن میثم قال رویت عن ابی عبدالله**

**آیت الله مددی : این علی بن اسماعیل میثم از نوه‌های میثم تمار است اما اسم‌های قبلی را نشناختم یک حدیث دیگر برو ببینیم که**

**یکی از حضار : این در مقدمه‌ی چیز است کتاب**

**آیت الله مددی : حالا مقدمه**

**یکی از حضار : الباب الاول معرفة یک حدیث دیگر هم در چیز دارد در مقدمه دارد ولا یجد عالم فلان کتب الله لی ثواب ذلک کتاب نوشتم خدا ثواب بنویسد فقد روی البرقی عن ابیه عن حماد بن عیسی**

**آیت الله مددی : خوب اینکه به نحو وجاده است هیچ**

**یکی از حضار : قال سمعت ابا عبدالله یقول این هم کذا بعد می‌گوید الباب الاول معرفة التوحید و اثبات**

**آیت الله مددی : این از همان تراث‌های مخلط است الان اصلا در ذهنم نیست برقی از حماد بن عیسی نقل کرده باشد ، حماد بن عیسی معروف است روایاتش از امام صادق گفته 20 تا نقل کرده زیاد بوده اولش فراموش کرده زیاد ندارد از امام صادق اصلا محمد بن خالد برقی نگاه کنید از حماد دارد حماد بن عیسی ، فکر نمی‌کنم . الان در ذهنم نمی‌آید از علاء دارد که آن شب مفصل صحبت کردیم ، از حماد بن عیسی ، محمد بن خالد برقی . الان در ذهنم البته این به نحو وجاده است معلوم است ایشان برقی پسر را درک نکرده ابن شعبه درک نکرده آن وقت این شبهه این میراث قم چطور به اینها رسیده ؟ من احتمال دادم که این احمد بن حسین بن سعید باشد ، کار این پسر باشد.**

**در روایات ما هست محمد بن خالد البرقی عن الحماد بن عیسی چون از حماد بن عثمان که نقل نمی‌کند از حماد بن عیسی مگر نقل کند.**

**یکی از حضار : مضمون این روایاتی که به آنها رسیده انتخاب کردند یعنی اینهایی که با نسخه‌ی**

**آیت الله مددی : حالا کم کم اجازه بدهید بعد شرح حال را کم کم بگوییم**

**یکی از حضار : در کافی هست عدة من اصحابنا عن احمد بن ابی عبدالله عن ابیه عن حماد بن عیسی عن عبدالله بن مسکان ، عدة من اصحابنا عن احمد بن ابی عبدالله عن ابیه عن حماد بن عیسی عن حریز**

**آیت الله مددی : پس داشته این نسخه خیلی خوب برویم رد بشویم ، گفتم من چون در ذهنم نمی‌آمد که محمد بن خالد**

**یکی از حضار : 4 تا در جلد 2 کافی دارد آن وقت در جلد 4 دارد جلد 5 جلد 6**

**آیت الله مددی : بله دارد چرا ، مشکل طبقه ندارد مثل حسین بن سعید آن هم از حماد بن عیسی نقل می‌کند خوب بفرمایید ، حدیث بعدی را بخوانید چند تا حدیث دیگر این که به نحو وجاده است .**

**یکی از حضار : نقل قول‌هایش را مثلا می‌گوید قال العالم فی کتاب الاسوس با دو تا سین بعد**

**آیت الله مددی : این کتاب اسوس را گاهی اوقات با همان هفت والاضلة دارند**

**یکی از حضار : آخر آن را جدا می‌گوید یک کمی جلو تر می‌گوید فصل من کتاب الهفت والاضلة**

**آیت الله مددی : درستش ایشان نوشته الهفت الاضلة این غلط است این دو اسم دارد الهفت الشریف ، الهفت والاضلة**

**یکی از حضار : فصل فی کتاب الاسوس**

**آیت الله مددی : دو چاپ شد ، اسوس به نظرم این است همین باشد .**

**یکی از حضار : حالا اینها را جدا کرده است .**

**یکی از حضار : به چه معنی اسوس ؟**

**آیت الله مددی : جمع اس یعنی پایه‌ها می‌گویم اینها چنین خیلی عقل درستی ندارند خیلی آدم نمی‌شود روی حرف‌هایشان اعتماد کرد بعدش ؟ از اینها چیزی در نیامد**

**یکی از حضار : فمنه ما حدثنی به ابو علی محمد بن همام**

**آیت الله مددی : ها همان سند اول**

**یکی از حضار : عین سند اول طب الصادقین عن الحسن بن محمد بن جمهور عن ابیه عن الصادق**

**آیت الله مددی : این که دروغ است باطل است . چون از حسن بن اولا ایشان از حسن بن محمد بن جمهور معلوم نیست نقل بکند باز آن محمد بن جمهور عن الصادق نقل نمی‌کند ، همین راوی کتاب طب الرضا هم همین است اینها جزو اعاظم یعنی بزرگان خط غلو بصره هستند پدر و پسر حسن بن محمد بن جمهور اولا ابو علی بغدادی از ایشان نقل بکند الان نزد من روشن نیست ، محمد بن جمهور از امام صادق نقل نمی‌کند . اصلا علی بن ابو محمد بغدادی که متوفای 336 است از امام صادق به دو واسطه نقل نمی‌کند طبقه‌اش نمی‌خورد.**

**یکی از حضار : متن روایت را نگاه کنید ثلاثة فی الربوبیة العظمی والالهیة الکبری لا یکون شیء من غیر الشیء**

**آیت الله مددی : اینها خط غلو هستند دیگر هر دو پدر و پسر ابن جمهور هر دوشان در خط غلو هستند .**

**یکی از حضار : و لا ینقل شیء عن جوهریته الی جوهریة غیره**

**آیت الله مددی : خوب دیگر اینها باید دعا کنید یک شب این عرفا اینجا باشند شروع کنند اینها را معنا کردند این هم ها مقصود این است و جوهریت این است ربوبیت این است و عظمی این است .**

**یکی از حضار : و روی یکی دیگر هم دارد سند دارد و روی عن احمد بن علی عن محمد بن ابراهیم عن اسحاق یرفعه الی محمد بن سنان فی کتاب التوحید عن العالم .**

**آیت الله مددی : عن اسحاق کیست ایشان ؟**

**یکی از حضار : اسحاق را دارد اصلا کلا می‌گوید قال اسحاق این طوری دارد این اسحاق فکر کنم راوی**

**آیت الله مددی : ما یک اسحاقیه در غلات داریم این همان است ؟ رئیس آنهاست یحتمل ، اسحاقیه داریم در میان غلات الان چون ما خیلی با خط غلات خیلی آشنا نیستیم همان مشهورهایشان را بلد هستیم خیلی آن ریزه‌کاری‌هایشان را اطلاع نداریم یکی دو تای دیگر بخوان .**

**یکی از حضار : عرض کردیم می‌گوید و قال اسحاق فی کتاب الصراط**

**آیت الله مددی : ها اسحاق این کتاب صراط را به چیز نسبت دادند چاپ شده به مفضل نسبت داده این درش رسما تناسخ هست رسما ، ایشان هم خوب توجه پیدا کرده می‌گوید چند چیز که به غلات نسبت داده شده یکی تناسخ است یکی اباحی گری است یکی الوهیت است راست است در این کتاب صراط رسما تناسخ است .**

**یکی از حضار : الان در مجموعه‌ی مفضلیه که در جلد 6 است کتاب چهارم صراط است .**

**آیت الله مددی : هشت تا کتاب است اینها**

**یکی از حضار : نه تا کرده**

**آیت الله مددی : اها هشت تا کتاب برای مفضل است یکی‌اش هم هفت والاضلة است**

**یکی از حضار : هفت شریف دارد اما اضلة ندارد**

**آیت الله مددی : هفت شریف را چیز چاپ کرده مصطفی غالب ، مصطفی غالب الهفت الشریف چاپ کرد آن یکی دیگر هست اسماعیلیة از این معاصرین که کتاب خودش را چاپ کرده عارف تامر الهفت و الاضلة را چاپ کرد بفرمایید .**

**یکی از حضار : بعد یک کلمه‌ را شاید من نتوانم درست بخوانم مجمع احتمالا کتاب التوحید عن محمد بن سنان حدثنی حسین بن شاید مَجمع کتاب التوحید عن محمد بن سنان این طوری یا مُجمع کتاب التوحید ها شاید این باشد**

**آیت الله مددی : نه شاید مجمّع کتاب التوحید**

**یکی از حضار : ظاهرا این طوری است مُجمع یعنی مجموعه‌ای از کتاب توحید ابن سنان این جوری چون از سند شروع می‌شود دو نقطه مُجمع کتاب التوحید عن محمد بن سنان دو نقطه حدثنی الحسین بن الاحمد قال حدثنی محمد بن محمد و عمر بن احمد الهمدانی قال حدثنا جعفر بن محمد الکوفی قال حدثنی جعفر بن محمد الرسی که در طب الائمه خواندیم برسی**

**آیت الله مددی : برسی و رسی آمده است .**

**یکی از حضار : چند تا هم ضبط دارد ، قال حدثنا محمد بن سنان بعد ان دخلنا علیه و نحن سبعة عشر رجلا کل واحد منا یزعم انه قد بلغ التوحید فی الملکوت والمعرفة**

**آیت الله مددی : خیلی خوب رهایش کن دیگر معلوم است دیگر از اسماء معلوم است ردیف اسماء**

**یکی از حضار : مصباح الشریعة هم از همین هاست**

**آیت الله مددی : نه مثل اینها نیستند . بیشتر صوفیه صد باب است مصباح مثلا باب فی التوبة اولش قال جعفر بن حمد بعد می‌گوید قال سفیان ثوری مثلا قال الحسن بصری کلمات بزرگان را می‌آورد قال ابراهیم ادهم این طوری است مثلا . سند ندارد نه این که سندهای عجیب و غریبی است .**

**یکی از حضار : بعدی‌اش چند صفحه این خبرش خیلی طولانی است محمد بن سنان با اینها گفتگو می‌کند**

**آیت الله مددی : الی آخره .**

**یکی از حضار : و روی فی کتاب معرفة الباری عن علی بن احمد العقیقی قال حدثنی ابی احمد بن علی قال اخبرنا احمد بن ابراهیم عن محمد بن مثنی بن القاسم عن ابیه عن عثمان بن زید عن جابر عن ابی جعفر باز دو باره**

**آیت الله مددی : جابر بن زید است .**

**یکی از حضار : لا شیء اعظم من روح القدس الا النازل فیه والنازل فیه هو محتجب به**

**آیت الله مددی : الی آخره معلوم است دیگر اینها برای خط ما نیست واضح است .**

**یکی از حضار : وروی عن یونس بن ضبیان عن جابر بن**

**آیت الله مددی : از آنهاست**

**یکی از حضار : جابر بن ابی جعفر که ظاهرا عن جابر عن ابی جعفر باشد .**

**آیت الله مددی : باید باشد .**

**یکی از حضار : بعد این است که و حدثنی محمد بن ابراهیم عن ابی علی البصری قال حدثنی الرازی عن ابی الهیثم**

**آیت الله مددی : یک اسحاق داریم اسحاق بن محمد بصری که در کشی هم روایاتش هست این هم جزو مخمسه و غلات نوشتند آن اسحاق که گفت احتمالا آن باشد حالا گفتی اسحاق بن بصری یادم از آن آمد اسحاق بن محمد بصری .**

**یکی از حضار : حالا این سند را هم که**

**آیت الله مددی : نه بابا این ظاهرا فایده ندارد عقیده‌ی ما اگر این کتاب واقعا برای ابن شعبه باشد عقیده‌ی ما از او برگشت .**

**یکی از حضار : اینجا این را به نام مفضل یا مفضل بن عمرو چاپ کردند**

**یکی از حضار : عمر ؟**

**یکی از حضار : عمرو است اصلا اصرار کردند هم واو گذاشتند هم فتحه گذاشتند .**

**آیت الله مددی : عرض کردم یکی از دعات بهره‌ها نزد من آمد دیگر اینجا از این علوی بهره ایشان هم مفضل بن عمرو می‌خواند ، بعد هم جابر بن زید می‌گفت جابر بن یزید نمی‌گفت اسم یزید و اینها عمرو بن**

**یکی از حضار : عمر و یزید و اینها را حذف کردند .**

**آیت الله مددی : ها اینها به اصطلاح اسم عمر و یزید و شمر و اینها را همه را برمی‌داشتند چیز دیگری می‌گذاشتند ، بفرمایید بابا اینجا به من گفت خودش دیگر جابر بن زید و اینها که من فهمیدم مرادشان این است خیلی واقعا هم انصافا سمعه‌ی اهل بیت را با این حرف‌ها خیلی مشوه کردند انصافا علمای ما بعد از کافی مخصوصا این خط بغداد خیلی خدمت کردند به حدیث شیعه که حدیث را مرتب کردند این حرف‌های عجیب و غریب را اصلا از کل حدیث برداشتند انصافا خدمت بزرگی کردند این بزرگان کار بزرگی را انجام دادند بخوانید بابا یکی دو تا سند دیگر**

**یکی از حضار : باز هم بخوانم ؟**

**آیت الله مددی : چون من ندیدم اصلا این کتاب را ندیدم تا حالا**

**یکی از حضار : باب دیگری نشده این ؟**

**یکی از حضار : عنوان باب‌ها را گفتم این باب توحید است ، بله**

**آیت الله مددی : حقایق و اسرار**

**یکی از حضار : و حدثنی عن محمد بن موسی اینجا احتمالا یک کلمه افتاد عن الکرخی عن محمد بن علی عن ابن سنان قال قال الصادق فی قوله تعالی ولا تسب الذین ال آخر و بالاسناد عن الکرخی عن اسماعیل بن علی عن محمد بن صدقة عن محمد بن سنان عن المفضل**

**آیت الله مددی : این کرخی را احتمال می‌دهم احمد بن هلال مرادشان باشد چون آن معروف به کرخی است ابرطائی ، احتمال می‌دهم مرادشان آن باشد از آثار آن احمد بن هلال ابرطائی باشد احتمال می‌دهم الان چیزی نمی‌توانم بگویم عرض کردم احتمال است چون آثار اینها چیز حالت علمی ندارد نمی‌توانم راجع به آنها صحبت کنیم . مثل اینکه خودش گفت دیگر گفت ما باطنیه هستیم حرف‌هایمان را نمی‌خواهیم پخش کنیم .**

**یکی از حضار : و بالاسناد عن الصادق و بالاسناد عن محمد بن صدقة عن یونس عن المفضل بعدی می‌شود و حدثنی**

**آیت الله مددی : این یونس ، یونس بن ضبیان است نه یونس بن عبدالرحمن است .**

**یکی از حضار : بله ضبیان آنجا اسمش برده شد .**

**آیت الله مددی : بله . خوبی این کتاب این است که هر چه شما به اسم خط غلو شناختید درش هست موجود است مجمع عمومی سازمان ملل می‌گویند مجمع عمومی غلات و خطابیه یکی هم همین طب الائمه آن هم همینطور است ما شاید به اندازه‌ی این طب الائمه کتابی نداشته باشیم اسم ابوالخطاب درش باشد خیلی زیاد است و غلات دیگر و بقیه‌ی غلات این یک مجموعه‌ای است که از قرن چهارم به بعد منتشر شده موجود بوده ولکن کجا بوده بیشتر در سوریه و مصر و آن جور جاها یا مثلا در خراسان و این قسمت‌هایی که اسماعیلی‌ها بودند یا همین نصیری‌ها بودند در آنها‌ زیدی‌ها این حرف‌های پرت و پلا را پخش نمی‌کردند بفرمایید .**

**یکی از حضار : عرض شود که دیگر بعدی‌اش می‌شود وبالاسناد عن محمد بن صدقة عن یونس عن المفضل**

**آیت الله مددی : الی آخره**

**یکی از حضار : و حدثنی عنه عن عبدالله بن علاء عن ادریس بن زیاد عن زید بن طلحة عن المفضل و حدثنی عنه**

**آیت الله مددی : حالا این ادریس بن زیادی داریم ما کفرسوسی است این هم گفته شده از غلات است شاید مراد او باشد نمی‌دانم یک روایت معروفی دارد این ادریس بن زیاد همین روایت عرق جنب از حرام نجس است برای همین است برای ادریس بن زیاد می‌گوید حضرت هادی را دیدم در قلبم گذشت که راجع به عرق جنب چیست نزدیکش شدم فرمود ان کان من حلال اینطور ان کان من حرام اینطور که یک کرامتی هم یعنی به قول آقایان فقهی است که با کرامت است یک حکم فقهی است که با کرامت است این برای همین ادریس بن زیاد کفرسوس ، کفرسوسا شمال عراق است ، الجزیرة آیا این همان است نمی‌دانم از بس اینها قر و قاطی نوشتند اصلا ما نمی‌توانیم یک چیز درست و درمانی از این اسانید در بیاوریم .**

**اما انصافا با آن کتاب طب الصادقینش از زمین تا آسمان فرق دارد از زمین تا آسمان فرق دارد این با همین کتاب‌های درب و داغون همین اسماعیلی‌ها و نصیریه می‌خورد این عباراتی که الان و این هم معلوم شد که بعدها اینها ادعا کردند که اینها حقائق است و اسرار است و این اهل اسرار این معلوم شد ریشه‌هایش در نزد اینها بوده در روایات ما آمده که محمد بن سنان از اهل اسرار بوده اهل فلان بوده از این حرف‌هایی که نوشتند دیگر از این شلم شوربایی که نوشتند .**

**علی ای حال خوب آنها می‌گویند نه این‌ها یک مرادی دارد فلان و شما نمی‌فهمید و اعتراض نکنید الانسان عدو ما جهل فلان خیلی خوب انسان ، قبول کردیم تسلیم هستیم چون وارد بحث شدن فایده‌ای ندارد به نتیجه‌ای نمی‌رسد به قول سعدی می‌گوید مرا با یکی از ملاحده بحث افتاد در همین گلستان مرادش از ملاحده اسماعیلی‌هاست چون در زمان ایشان اسماعیلیه را ملاحده می‌گفتند مرا با یکی از ملاحده بعد گفتم آقا ما بحثمان فایده ندارد یک چیزهایی را تو قبول داری ما قبول نداریم یک چیزهایی را ما قبول داریم تو قبول نداری لذا این بحث به جایی نمی‌رسد این بحث به حد روشنی نمی‌رسد این مباحثی که اینها نوشتند این اسمائی که اینها نوشتند و الربوبیة العظمی و الکبری و الصغری الی آخره اینها**

**یکی از حضار : فقط خودشان می‌‌فهمند .**

**آیت الله مددی : ها اگر بفهمند . اصلا معروف است که به یک کسی عبارتی گفتند که تو در کتابت نوشتی گفت در وقتی که نوشتم دو نفر آن را می‌فهمیدند یکی من یکی خدا فعلا فقط یکی می‌فهمد آن هم خدا خودم هم نمی‌فهمم چه نوشتم فعلا یکی شده دو تا یکی شده این از آن مقوله است که فقط یکی می‌فهمد چیست آن هم خداست ، خودش هم**

**یکی از حضار : بخوانم یا اینکه ؟**

**آیت الله مددی : اگر دارید دو تا سند دیگر**

**یکی از حضار : بله حدثنی عنه عن محمد الکرخی عن اسماعیل بن علی عن**

**آیت الله مددی : اگر محمد الکرخی نوشته احمد کرخی نیست احمد بن هلال نیست نه اگر درست باشد حالا مشکل ما اصلا نمی‌دانیم این اسماء درست است غلط است جابجا شده نشده یک سند دیگر بخوان ببینیم تا ببینیم چه کارش کنیم اینها را می‌گفتند مخلط اصطلاح مخلط اصلا چنان درب و داغون است که آدم نمی‌فهمد چه بگوید این کجایش درست است کجایش نا درست است .**

**یکی از حضار : حالا بگذارید یک سندی که جدید باشد را بخوانم و حدثنی مبارک بن محمد عن محمد بن الحسن عن ابی عبدالله عن حسین بن غیاث عن اسحاق بن محمد بن الاحمد**

**آیت الله مددی : این اسحاق بن محمد همان بصری باید باشد در کشی زیاد است روایتش به نظرم یک جا خود کشی هم می‌گوید و کان من اهل الارتفاع بیاورید اسحاق بن محمد بصری**

**یکی از حضار : می‌گوید لجمیع کتاب المترجم لکتاب الشواهد وهو موافقة روایة العامة فیه روایة الخاصة**

**آیت الله مددی : در فکر وحدت هم بوده این اسحاق بن محمد بصری را بیاور به نظرم در خود کشی هم دارد کشی در یک مورد حدثنی نصر بن صباح و کان من اهل ارتفاع قال حدثنی کذا و کان من اهل الارتفاع یعنی از غلات بوده اسحاق بن محمد هم بعد می‌گوید و کان من اهل الارتفاع به نظرم اسم او هم هست . می‌گوید که عیاشی می‌گوید رفتم نزدش به او گفتم که کتاب به من بده یک کتاب از مفضل داد گفتم نه من این را استنساخ نمی‌کنم اصلا قبول نمی‌کنم اسحاق بن محمد البصری**

**یکی از حضار : اسحاق بن محمد البصری که خیلی چیز شده ضعیف جدا و معدن التخلیط**

**آیت الله مددی : خوب گفتم خودم دیگر ، یک جا به نظرم کشی هم دارد به نظرم اسحاقیه به این برمی‌گردد اصلا اسحاقیه به همین اسحاق بن محمد است به نظرم الان**

**یکی از حضار : یکی‌اش این است اسحاق بن محمد البصری**

**آیت الله مددی : می‌گوید حدثنی نصر بن صباح**

**یکی از حضار : می‌گوید نصر بن صباح و هو غالی**

**آیت الله مددی : و هو من اهل الارتفاع**

**یکی از حضار : قال حدثنی اسحاق بن محمد البصری و هو اینجا چاپ شده متهم احتمالا منهم بوده**

**آیت الله مددی : یا هو منهم من اهل ارتفاع به نظرم اسحاقیه الان چون می‌ترسم کم و زیاد بشود از این اسحاق بن محمد بصری است .**

**یکی از حضار : ایشان می‌گوید نسخه‌ی منهم هم داشته .**

**آیت الله مددی : آن وقت به نظرم عیاشی با او ملاقات دارد .**

**یکی از حضار : و هو غالی .**

**آیت الله مددی : آن هم همینطور است .**

**یکی از حضار : نه آنجا ندارد .**

**آیت الله مددی : یک روایت دارد که می‌گوید عیاشی رفتم نزدش اخرج لی کتابا لمفضل همین کشی دارد گفتم نه این را من نمی‌نویسم .**

**یکی از حضار : یکی دیگر دارد که آخر ببینید عبارت بعدی را یک سند دیگر جداست حدثنی ابوالقاسم نصر بن صباح و کان غالیا قال حدثنی ابو یعقوب ابن محمد البصری**

**آیت الله مددی : همین ابو یعقوب این است .**

**یکی از حضار : و هو غالی رکن من ارکانهم ایضا یعنی ضمیر را می‌زند به خودش اینجا**

**آیت الله مددی : عرض کردم .**

**یکی از حضار : قبلش اسم غالیه را نمی‌برد اما اینگار .**

**آیت الله مددی : اصلا به نظرم اسحاقیه مربوط به ایشان است .**

**یکی از حضار : بعد نگاه کنید چه می‌گوید دارد حدثنی محمد بن حسن بن شمون و هو ایضا منهم یک اینجوری دارد .**

**آیت الله مددی : یک محمد بن حسن بن جمهور داریم یک محمد بن حسن بن شمون داریم هر دو هم اهل بصره هستند و هر دو هم از خط غلو هستند .**

**یکی از حضار : نه این آقا شاید درستش کرده خودش می‌گوید در نسخه آن بوده منهم بوده ما کردیمش متهم درست بشود .**

**آیت الله مددی : نه واضح است ، نه یک حدیثی را به نظرم اینجور می‌آید حالا مگر اینکه من حافظه‌ام باز خراب شده ، که مرحوم عیاشی می‌گوید با او ملاقات کردم ، عیاشی می‌گوید فاخرج الی کتابا لمفضل گفتم نه این را نمی‌نویسم .**

**یکی از حضار : همین است .**

**آیت الله مددی : همین است ؟ می‌گویم .**

**یکی از حضار : الان عرض می‌کنم**

**آیت الله مددی : آن وقت می‌گوید این خیلی چیز داشت علاقه به کبوتر داشت و روایات نقل می‌کرد در فضل کبوتر و کبوتر بازی روایاتی هم نقل می‌کرد .**

**یکی از حضار : همان روایت طولانی است که خواندیم قال ابو ، سالت ابو النصر محمد بن مسعود عن جمیع هؤلاء فقال اما فلان و اما فلان و اما فلان**

**آیت الله مددی : الی آخره**

**یکی از حضار : و اما**

**آیت الله مددی : این از قسمت‌های چند بار گفتم این از قسمت‌های بسیار مهم کتاب کشی است . چون تمام شهادتش حسی است ابو عمرو کشی از استادش عیاشی می‌گوید من دیدم با این نشستم با این نشستم خیلی هم زیباست راجع می‌گوید اما راجع به فلان این گفته شده از غلات است لکن لم امتحنه وقت الصلاة والغلاة یمتحنون فی اوقات الصلوات**

**یکی از حضار : و لم احضره فی وقت الصلاة**

**آیت الله مددی : ها**

**یکی از حضار : وان القوم یعنی الغلات یمتحن فی اوقات الصلاة**

**آیت الله مددی : یعنی این دقت مرحوم عیاشی راجع ، خیلی لطیف است بعد می‌آید می‌گوید و اما ابو یعقوب**

**یکی از حضار : و اما ابو یعقوب اسحاق بن محمد البصری فانه کان غالیا وصرت الیه الی بغداد لاکتب عنه وسالته کتابا انسخه فاخرج الی من احادیث المفضل بن عمر فی التفویض فلم ارغب فیه**

**آیت الله مددی : این تفویض هم برای همان غلو است .**

**یکی از حضار : فاخرج الی احادیث منتسخه من الثقاة ورایته مولعا بالحمامات المراعیش ویمسکها**

**آیت الله مددی : این کبوترهایی که پاهایشان مو دارد کبوتر مرعشی این می‌گوید دیدم خیلی علاقه به کبوتر بازی دارد**

**یکی از حضار : ویمسکها ویروی فی فضل امساکها احادیث**

**آیت الله مددی : غرض هر چه خوبان همه دارند تو تنها داری**

**یکی از حضار : قال وهو احفظ من لقیته**

**آیت الله مددی : عجیب هم هست**

**یکی از حضار : یعنی بعد از علی بن حسن بن علی بن فضال که آن همه مدح کرد باز می‌گوید احفظ این بوده**

**آیت الله مددی : خیلی حدیث حفظ داشته**

**یکی از حضار : چون اول سند می‌گوید فما رایت فی من لقیت بالعراق وناحیة خراسان افهم ولا احفظ**

**آیت الله مددی : می‌گویم احتمال می‌دهم که عده‌ای از این غلات خوب احادیث حفظ داشتند کلینی خوب‌هایش را جدا کرده است دقت کردید ؟ کلینی این خوب‌ها را جدا کرده بقیه را دیگر رها کرده این خیلی مهم است و هو احفظ من رایت .**

**یکی از حضار : بعد هم در همان ادامه‌اش بعد از علی بن حسن بن فضال که آن همه تعریف کرد**

**آیت الله مددی : علی بن حسن را خیلی تعریف می‌کند فوق العاده از پدرش بیشتر تعریف می‌کند از نظر علمی خیلی عجیب است این هم خیلی عجیب است خیلی خوب ما هم دیگر کم کم خسته شدیم امشب بنا نبود در این بحث وارد بشویم لکن اجمالا بد نبود لطایف خودش را داشت .**

**و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین**